

افزایش اقبال به پژوهش در حوزه هوش مصنوعی:

واکنشی منطقی به تحولات یا پیروی از مد روز؟



تئریه علمی | رتبه بین‌المللی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)
شاپا (چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱
شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱
نمایه در SCOPUS و ISC، LISTA و jipm.irandoc.ac.ir
دوره ۴۱ | شماره ۴
تابستان ۱۴۰۵

به عنوان سردبیر دو مجله علمی و همچنین عضو در هیئت تحریریه چند مجله دیگر و سرانجام، به عنوان داور برخی مجله‌ها، این روزها مواجه شده‌ام با سبلی از مقاله‌ها در حوزه هوش مصنوعی. نکته جالب آنست که مدت زمان اندکی از مطرح شدن هوش مصنوعی در جامعه دانشگاهی ایران می‌گذرد اما افزایش بی‌سابقه دریافت مقاله در این زمینه، که نشان‌دهنده اقبال پژوهشگران به این پدیده نوظهور می‌باشد، جای تأمل دارد.

از دید یک سردبیر، مشاهده می‌کنم که تنوع موضوعی مقاله‌های هوش مصنوعی بسیار گسترده است. نگاهی به عنوان مقاله‌ها در این حوزه نشان می‌دهد که همچون برخی از حوزه‌هایی که در دو سه دهه گذشته در ایران مطرح و برجسته شدند، مانند مدیریت دانش، سواد اطلاعاتی، سواد سلامت، رفتار اطلاع‌یابی، علم‌سنجی، و ...، موضوع هوش مصنوعی هم از دیدگاه‌های گوناگون و در پیوند با نظریه‌های مطرح و متغیرهای دخیل مورد توجه پژوهشگران جوان قرار گرفته است. جالب آنکه این پژوهشگران از رشته‌های متنوعی به مسأله هوش مصنوعی پرداخته‌اند. هنگامی که به عنوان مقاله‌ها دقت می‌کنیم، جنبه‌های فرعی و متغیرهای گوناگونی را در ارتباط با هوش مصنوعی در آن‌ها مشاهده می‌کنیم.

اما مسأله اصلی، که از دیدگاه برخی اندیشمندان به یک دغدغه تبدیل شده آنست که این تنوع موضوعی و این گونه‌گونی نگاه‌ها به موضوع هوش مصنوعی، آیا برآمده از مسائل و نیازهای واقعی است یا نوعی دربداری در یافتن موضوع پژوهش و یا پیروی از مد روز؟ همچون حوزه‌های پیش‌گفته (مانند مدیریت دانش، سواد اطلاعاتی، سواد سلامت، رفتار اطلاع‌یابی، علم‌سنجی، و ...)، به‌عنوان یک پاسخ آغازین می‌توان گفت بسیاری از اینگونه پژوهش‌ها برآمده از نیازها و مسائل عینی و واقعی نیست بلکه ناشی از بلا تکلیفی پژوهشگران در یافتن موضوع‌های کاربردی و نیازمحور است. شاید برخی استادان راهنما بتوانند دانشجویان را در راستای گزینش موضوع‌های مناسب‌تر در حوزه هوش مصنوعی راهنمایی کنند اما پیشینه تخصصی و درصد آنان چگونه است؟ مقایسه مقاله‌های دریافتی از

حوزه‌های علوم رایانه و مدیریت فناوری اطلاعات با سایر حوزه‌ها، نشان از کاربردی بودن پژوهش‌های آنان دارد در حالی که در سایر حوزه‌ها اینگونه نیست. در بسیاری از مقاله‌ها در حوزه‌هایی غیر از علوم رایانه و مدیریت فناوری اطلاعات، تلاش شده تا انواع متغیرها در ارتباط با موضوع هوش مصنوعی به پرسش‌ها یا فرضیه‌های پژوهش افزوده شود. این در حالیست که در بسیاری از موارد، دخیل کردن این متغیرها مبنای نظری و پشتوانه پژوهشی ندارد.

یک مسأله جدی دیگر، موضوع استناددهی و استناد گرفتن مقاله‌های حوزه هوش مصنوعی است. مانند برخی حوزه‌های دیگر، پژوهشگران برای نشان دادن اعتبار مقاله خود، به هر مقاله دیگری، هرچند کلی، که در این حوزه منتشر شده باشد استناد می‌کنند، آن هم در بخش مقدمه و نیز پیشینه پژوهش. با نگاهی کنجکاوانه به چنین مقاله‌هایی می‌توان دریافت که نام‌بردن از برخی پژوهشگران دیگر تنها برای تزریق استناد است و نه بهره‌مندی از مبانی نظری، روش‌شناسی، یافته‌ها و یا پیشنهادها پژوهشی آن مقاله‌ها در ارتباط با بیان مسأله، تدوین پرسش‌ها و یا فرضیه‌های پژوهش و در نهایت، تقویت و اعتباربخشی علمی به مقاله خود. با نگاهی گذرا به پیشینه پژوهشگران جوان و استادان راهنمای آنان می‌توان دریافت که آن‌ها تا چه میزان در این حوزه تخصص دارند و اهل اندیشه‌اند. در واقع، و بر پایه شواهد موجود، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به پژوهش در حوزه هوش مصنوعی بیشتر به‌عنوان یک گرایش لوکس و مد روز تبدیل شده است. وظیفه داوران مقاله‌ها و نیز سردبیران مجله‌ها در مدیریت بهینه پذیرش و نشر مقاله در این حوزه، آنست که در بررسی آن‌ها به پنج معیار کلان: نوآوری، اصالت، کیفیت، سودمندی و اثربخشی توجه و دقت کنند.

به نظر می‌رسد که ظرف چند سال آینده، پژوهش‌های سطحی در حوزه هوش مصنوعی تکراری و به اشباع موضوعی برسد. در آن صورت، شاید روال گرایش به پژوهش در این قلمرو کاربردی، طبیعی و منطقی شود.

سید رحمت‌الله فتاحی

سردبیر